

## مطالعه فرهنگی دو زیست جهان زنان تهرانی: هیئت مذهبی و کافی‌شاپ

(صفحات ۹ تا ۳۸)

DOR: 20.1001.1.17358663.1401.17.52.1.8

نوع مقاله: پژوهشی

حمیرا حاج محمد کاظمی<sup>۱</sup> \* حسین تنهایی<sup>۲</sup> \* محمدباقر تاج‌الدین<sup>۳</sup>

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۴

دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۹

### چکیده

پژوهش حاضر به مطالعه کیفی دو زیست جهان زنان شهر تهران اعم از هیئت مذهبی و کافی‌شاپ می‌پردازد و طی آن معناها و تفاسیر و نمادهایی که این دو گروه از زنان از خود بروز می‌دهند مورد واکاوی قرار می‌گیرد. مطالعه کیفی در این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل هویتی در طول دو دهه اخیر تغییرات اساسی کرده است، به طوری که وضعیت امروز زنان ایران با گذشته تفاوت‌های بسیار شایانی را نشان می‌دهد. پژوهش حاضر مبتنی بر پارادایم تفسیری و روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی و با تکنیک تحلیل تماتیک (مضمون) در شهر تهران انجام یافته است. جمعیت مورد مطالعه این مقاله زنان شهر تهران است که از بین آن‌ها تعداد ۴۲ نفر به روش نمونه‌گیری نظری انتخاب و با مصاحبه‌های عمقی اطلاعات مورد نظر جمع‌آوری و مورد بازنویسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مقوله‌های به‌دست‌آمده در نحوه شکل‌گیری هویت زنان را می‌توان در موارد زیر بیان کرد: فراغت سیال، تأثیر موسیقی کافی‌شاپی، ترکیب نامتجانس سنت و مدرنیسم در فردیت، شیوع کودکی مذهبی بر جدار ذهنی کنشگران، هدایت معنوی، اعتیاد اعتقادی، مهاجرت و احساس نیاز به بازتولید معنای دین در تکوین هویتی، دیالکتیک معنویت در تأثیرگذاری بر حاجت و معصیت، جاهلیت زنانه ناشی از تعصب، غلبه فرهنگ مردسالاری و راهی برای عبور زنان، دوآلیته کافه و هیئت، تجانس ناهمگون، ساختارشکنی ارتباطی، عدم همخوانی هیئت‌های مدرن با جوهره معنویت، ترکیب لذت و معنویت، کنش عاشقانه هیئت‌روها، بازسازی دیالوگ‌های معنوی. نتایج نشان می‌دهد که وقتی قرار است به شکل‌دهی هویت زنان در جامعه ایرانی امروز نگاه کنیم، ابتدا باید به مؤلفه‌های تأثیرپذیری آنان از هویت دینی که از خانواده یا از مدرسه برمی‌خیزد، توجه نشان داد. از سویی دیگر، بروز قالب‌های جدید مدرن مانند کافی‌شاپ در این زمینه می‌تواند تأثیرگذاری عمیقی بر روند ذهنی و هویتی زنان داشته باشد. همچنین چرخش‌های عمیقی در تغییر مسیر ذهنی زنان در حال شکل‌گیری است؛ به گونه‌ای که نوع نگرش آن‌ها الزاماً ضد معنویت و دین به حساب نمی‌آید، اما با نگاه سنتی دینی تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. از طرف دیگر حضور آن‌ها در مکان‌های مدرن مانند کافی‌شاپ، بیانگر آن است که پذیرش مدرنیسم در نسل زنان امروز یک مسئله غیرقابل انکار است.

**واژگان کلیدی:** تجربه زیسته، هیئت‌های مذهبی، کافی‌شاپ‌ها، سنت، مدرنیسم.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران homeira\_k844@yahoo.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد تهران مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mb\_tajeddin@yahoo.com

## ۱- بیان مسأله

جلسات مذهبی زنانه و کافی شاپ‌ها محلی از حوزه عمومی‌اند که امکان برکشیده شدن جنسیت زنانه و نوعی هویت‌یابی نیز در آنجا وجود دارد. زنان به واسطه کنش‌گری‌های خاصی که در هیئت‌های مذهبی از یک سو و کافی شاپ‌ها از سوی دیگر دارند حوزه عمومی خاص خود را می‌سازند. این گونه به نظر می‌رسد که بر ساخته شدن حوزه عمومی توسط زنان در هیئت‌های مذهبی تفاوت‌هایی با بر ساخته شدن در کافی شاپ‌ها داشته باشد که نشان‌دهنده دو زیست جهان متفاوت آنان است. در واقع، با متکثر شدن زیست جهان‌ها در دنیای مدرن شاهد خلق دست کم دو زیست جهان زنانه در جامعه ایران هستیم که یکی مربوط به هیئت‌های مذهبی زنانه است که زیست جهان سنتی را نمایندگی می‌کند و دیگری مربوط به کافی شاپ‌ها که نوعی زیست جهان مدرن و امروزی را نمایندگی می‌کند.

چنین می‌نماید که یکی از زمینه‌های واکاوی به نسبت دقیق تجارب زیسته زنانه در جامعه ایرانی، فهم معانی و تفاسیری است که زنان از مجالس مذهبی و کافی شاپ‌ها دارند. هرچقدر که زنان در مجالس کاملاً زنانه مانند هیئت‌های مذهبی امر دینی را در پیوند با حوزه عمومی قرار می‌دهند و نوعی از جنسیت را بازنمایی می‌کنند در مجامعی چون کافی شاپ‌ها نیز کوشش می‌کنند امر سکولار (عرفی شدن) را در پیوند با حوزه عمومی قرار دهند و زنانگی خود را در تقابل با جنسیت مردانه و نقش‌های مربوطه تجسم ببخشند. اگر حضور در هیئت‌های مذهبی زنانه نشان‌دهنده زیست جهان سنتی زنان است از سوی دیگر اما حضور در کافی شاپ‌ها به منزله زیست جهان مدرنی است که هویت جدید زنان را نمایندگی می‌کند. «زنان در ساختی از مجالس کاملاً زنانه نشان می‌دهند که خودشان می‌توانند تعریفی از هویتشان را ارائه دهند که الزاماً با برداشتی مردانه از هویت زنان آغشته نشده است. این نوع از سبک زندگی عادت واره‌هایی را به مثابه امری تاریخی - فرهنگی تأسیس کرده است؛ امری که در آن زنان دست به کنش می‌زنند، مشارکت فعال دارند، به تأویل و تفسیر می‌پردازند و شکلی از حضور زنانه را می‌سازند که مختص زنان است. این مختص بودن هم در صورت و هم در معنا اتفاق می‌افتد» (کرمی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱۱).

از سوی دیگر اما در همین جامعه زنانی هستند که به جای حضور در هیئت‌های

مذهبی زنانه، بیش‌تر در کافی‌شاپ‌ها به‌عنوان مکان مدرن حضور می‌یابند و به کنش‌گری‌های عرفی و جدید می‌پردازند. البته یادآور می‌شود که زنانی هم هستند که در هم‌زمان در هر دو مکان حضور یافته و به کنش‌گری‌های خود می‌پردازند و در واقع دو زیست‌جهان را تجربه می‌کنند. این از آن‌رو است که به گفته پیتز برگر «زیست‌جهان کنش‌گران اجتماعی در جهان مدرن دچار تکثر و تنوع فزاینده‌ای شده است به‌گونه‌ای که در حال حاضر با انبوهی از زیست‌جهان‌های گوناگون در بسیاری از جوامع روبرو هستیم. این موضوع به‌ویژه درباره کشورهای در حال توسعه‌ای چون ایران که از یک‌سو هنوز زیست‌جهان سنتی را تجربه می‌کند و از سوی دیگر وارد زیست‌جهان مدرن نیز شده است قابل‌واکاوی و مطالعه است. بنا به گفته پیتز برگر «انسان‌ها در جهان مدرن در قالب زیست‌جهان‌های متنوع و متکثری زیست می‌کنند و همین زیستن در جهان‌های گوناگون آنان را دچار ذهن‌بی‌خانمان نموده است» (برگر و کلنر، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

اگرچه طی سالیان اخیر کافی‌شاپ‌ها به لحاظ کمی و کیفی بسط و گسترش فراوان یافته‌اند و نسل‌های جدید عمده‌تاً در این مکان‌ها حاضر می‌شوند اما هنوز هم درصدی از افراد جامعه (سنتی‌ها) هیئت‌های مذهبی را به‌عنوان مکان مناسب حضور خود انتخاب می‌کنند و تجربه زیسته‌ای از حضور در این هیئت‌ها دارند. این موضوع به‌ویژه در خصوص زنان بیش‌تر صدق می‌کند چراکه هنوز هم شاهد برپایی مجالس و هیئت‌های زنانه در مناطق مختلف کشور و حتی در کلان‌شهر تهران هستیم. به دیگر سخن زنان شهر تهران هم در هیئت‌های مذهبی زنانه و هم در کافی‌شاپ‌ها حضور می‌یابند و از این منظر دارای تجارب زیسته مهم و قابل‌توجهی از این دو مکان سنتی و مدرن هستند. «برخلاف جلسات مردان، جلسات زنان ویژگی‌ای خاص خود را دارد که گاه از آن تحت عنوان دین‌داری زنانه نام می‌برند: اولاً جنبه عاطفی و دوستانه بر جنبه سخنران محور غلبه دارد و آنچه در جلسات مردان حاشیه است در این جلسات به متن تبدیل می‌شود و اغلب حاشیه از متن مهم‌تر است. احوالپرسی‌ها، ردوبدل اخبار، قول و قرارها، آشنایی‌هایی که در جلسات رسمی قبل و بعد از جلسه انجام می‌شود، در این جلسات نقش مهم‌تری از خود برنامه دارد. ثانیاً وجه رفتاری و اخلاقی بر وجه آموزه‌ای و نظری غلبه دارد و ثالثاً عنصر جشن، مهمانی، سفره غذا، نذری همیشه در وجه رسمی غالب است (شریعتی، ۱۳۹۱).

در همین راستا می‌توان گفت که جامعه ایرانی و به‌تبع آن زیست‌جهان ایرانی نیز به

لحاظ شکل و محتوا بسیار متنوع و متکثر شده است. در واقع، زیست جهان ایرانی از یک سو عرصه همزیستی شیوه‌های گوناگون زیست است و از سوی دیگر عرصه تنازع و رقابت آن‌ها، به گونه‌ای که اکنون شیوه‌های گوناگون زندگی و زیست در جامعه ایرانی بر سر دست‌یابی به سرمایه نمادین در حال چالش با یکدیگرند و این موضوع بیش از همه در دو زیست جهان سنتی و مدرن نمود یافته است. اگر پیوستاری از سبک‌های زندگی ایرانیان را ترسیم کنیم دو شیوه زیست سنتی و مدرن در دو سر این پیوستار قرار می‌گیرند. ضمن این که این دو زیست جهان از بسیاری از امور ذهنی و عینی این جهانی از ارزش‌ها و باورها گرفته تا سبک پوشش و مصرف روایت‌ها و معناها مختلف و حتی در مواردی متضاد ارائه می‌کنند. در این میان زنان جامعه بیش از مردان در دو زیست جهان سنتی (هیئت‌های زنانه) و مدرن (کافی‌شاپ‌ها) حضوری جدی و معنادار دارند. در هر حال جهانهای متفاوت و بعضاً متضاد زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف زیستشان به‌ویژه در دو زیست جهان هیئت‌های مذهبی و کافی‌شاپ می‌تواند حامل معناها و تفاسیر شنیدنی و قابل‌بحث و تحلیل باشد که پژوهش حاضر متکفل این امر مهم است. «شیوه‌های تفسیر اساساً متفاوت، پیامد شیوه‌های هستی‌های اساساً متفاوت است. بر این مبنا زنان به لحاظ اختلاف چشم‌انداز زنانه با چشم‌انداز مردانه دچار اختلاف بنیادی در تفسیر می‌گردند. به عبارت دیگر، تفسیر مشخصاً زنانه از جهان، پیامد مقولات پیشینی است که چشم‌انداز زنانه را قوام می‌دهد و به این دلیل زنان جهان را متفاوت از مردان تفسیر خواهند کرد» (زیمل، ۱۳۸۶: ۱۰۲). «در این راستا، زیگموند باومن، از سیالیت، گذرا بودن و در حال حرکت بودن جامعه کنونی صحبت به میان می‌آورد. بنابراین سبک زندگی کافی‌شاپی را می‌توان یکی از نمونه‌های مدرنیته تلقی نمود» (آزاد آرمکی، ۱۳۸۷: ۲۷۹).

بنابراین، در زندگی روزمره زنان کلان‌شهر تهران، هم تجربه حضور در کافی‌شاپ‌ها و هم تجربه حضور در هیئت‌های مذهبی را دارند و در قالب دو زیست جهان به کنش‌گری می‌پردازند. کنش اول برگرفته از باورهای مدرن افراد است و دیگری مجموعه عقاید قالبی و سنتی است که می‌توان گفت، زنان تهرانی، رفتارهای دوزیسته‌ای را تجربه می‌کنند. در راستای شناخت دوزیست جهان زنان تهران، پژوهش حاضر تجارب زیسته آنان را نشانه رفته و با مشاهدات و مصاحبه‌ها زمینه‌های شکل‌گیری آن را تشریح می‌کند. به عبارت دیگر، کالبدشکافی از مکان‌هایی که زنان برای تفریح و

فراغت یا نیایش و عبادت انتخاب می‌کنند نشانه‌هایی از نگرش، درک، دریافت و تجربه زیسته آن‌ها در دنیای مدرن امروز است. همچنین باید گفت که شیوه‌های زیست سنتی و مدرن زنان در ایران حاصل برخورد و مواجهه الگوهای فرهنگ دینی، ملی و جهانی است که طی چند دهه اخیر شکل گرفته‌اند و این تجربیات و گفت‌وگوهای تاریخی - فرهنگی اکنون در قالب زیست جهان‌های متفاوت و متنوع امکان بروز و ظهور یافته‌اند. ضمن این‌که تفاوت و تکرر در زیست جهان‌های زنان ایرانی حاصل تحولات گسترده و عمیق اجتماعی و فرهنگی دهه‌های اخیر جامعه ایرانی بوده که طی آن شاهد گسترش تفکر فمینیسم، توجه به حقوق زنان و حضور و نقش زنان در فضاهای عمومی هستیم. لذا در ذیل این تحولات، پژوهش حاضر به دنبال آن است که گستره معنایی ذهنی هر کشنگر در حضور یا عدم حضور او در کافی‌شاپ‌ها و هیئت‌های مذهبی را مورد واکاوی عمیق قرار دهد و به این پرسش اصلی پاسخ دهد که زنان چگونه با تجربه هم‌حضور در کافی‌شاپ‌ها و هیئت‌های مذهبی روبرو می‌شوند؟

## ۲. ادبیات پژوهش

### ۲.۱. ادبیات تجربی

تقی آزاد ارمکی و شالچی (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی‌شاپ» به بررسی تطبیقی رفتار مصرف‌کنندگان فرهنگی در این دو مکان پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر دو مکان اثرات خاص خود را بر ذهنیات و باورهای جوانان می‌گذارند. این بررسی همچنین مشخص کرد که مصرف‌گرایی بر سبک زندگی با ورود مذهب نقش کاهنده پیدا می‌کند. این تحقیق تأکید می‌کند که کافی‌شاپ ترکیبی از فرهنگ ملی و فرهنگ جهانی است. درحالی‌که در فرهنگ بسیجی قالب‌های غربی محلی از اعراب ندارد. مریم دستوری (۱۳۸۹)، در تحقیقی با عنوان «بررسی دگرگونی هیئت‌های مذهبی زنانه: هیئت‌های سنتی و نوین» تأکید می‌کند که هیئت‌های مذهبی با زندگی اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی مؤمنان درهم آمیخته است. به‌طوری‌که شیوه زندگی پیروان تشیع با این جهان‌بینی گره‌خورده است. او بر این باور است که انقلاب اسلامی عامل مهمی در ورود زنان به حوزه اجتماع و حضور در مراسم‌ها و هیئت‌های مذهبی بوده است. مقدس جعفری و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر

عوامل فرهنگی بر سبک زندگی جوانان کافی شاپ در شهر اهواز» به این نتایج دست یافتند که متغیرهای زمینه‌ای ارتباط معنادار و معکوس بین سن و وضعیت تأهل، سبک زندگی و ارتباط معنادار مستقیم بین جنس و سبک زندگی وجود دارد. سویل ماکویی (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان «ویژگی‌های مردم شناختی کافی شاپ با شیوه زندگی جوانان» کافی شاپ را چنین توصیف می‌کند: کافی شاپ تنها مکانی برای نوشیدن قهوه و خوردن غذای ساده نیست، بلکه این مکان، فضایی با ویژگی‌هایی فرهنگی است که در بستر شهرنشینی و در میان طبقات متوسط و طی برخی تحولات فرهنگی دوران مؤثر شکل گرفته است. عباس کاظمی و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی هیئت‌های مذهبی زنانه در تهران» به بررسی جلسات دینی زنانه و هیئت‌های مذهبی در نتیجه‌گیری تحقیقشان تأکید می‌کنند که شرایط محیطی و سبک زندگی مردم بر شکل و محتوای دین‌ورزی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. عطیه خاکسار فرد و صدیقه سوری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «فهم پدیدارشناسانه تجربه زیسته زنان» از حضور در مجالس مذهبی زنانه چنین نتیجه گرفتند: تجربه زیسته زنان از حضور در مجالس مذهبی در سه سنخ فکری، عملی و اجتماعی به شرح ذیل می‌باشند: الف. فکری: کسب اجر اخروی و نزدیکی به خدا. تأثیر مثبت این‌گونه حضور بر روح و روان آدمی (کسب آرامش) با آگاهی بیشتر از قرآن و احکام دین و زندگی ائمه. ب. عملی: پیدا کردن گزینه‌های مناسب و مذهبی جهت ازدواج. تأثیر مثبت در زندگی خانوادگی و زناشویی (بهبود روابط زوجین و والدین و فرزندان) و پر کردن اوقات فراغت. ج. اجتماعی: شرکت در امور خیریه اجتماعی. آگاهی از وضعیت زندگی دوستان و خویشان و در صورت نیاز کمک به آنان و دیدوبازدید خانوادگی (صله ارحام). محمدتقی کرمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تعارضات و همسویی‌ها در ساخت مجالس مذهبی زنانه شهر تهران» چنین نتیجه گرفتند: عنصر هویت‌یابی جنسیتی با تعارض بیشتر و همسویی کمتر و تخصیص هویت اجتماعی و منزلت اجتماعی با همسویی بیشتر و تعارض کمتر از طریق ایجاد نقاط اتفاق در سه ساحت جنسیت، حوزه عمومی و امر مذهبی در ساخت مجلس مذهبی زنانه به ایفای نقش می‌پردازند. جفرز و همکاران (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر مکان سوم بر کیفیت زندگی در جامعه» بیان می‌کند، که پاسخگویان نتوانستند هیچ مکانی را در اطراف خود برای فکر کردن پیدا کنند. تنها

جایی که ۱۳ درصد نمونه‌ها به آن اشاره کردند کافی‌شاپ‌ها بود. همین گروه از نمونه‌ها بعد از کافی‌شاپ به کلیساها - پارک‌ها و نقاط تفریحی به‌عنوان مکان‌های مراجعه اشاره داشتند. اما قسمت جالب این تحقیق این است که ۲۹ درصد مردم کلاً با کافی‌شاپ‌ها آشنایی نداشتند. نتایج دیگر این تحقیق نشان می‌دهد که افرادی که به مکان‌های سوم مراجعه می‌کنند، کیفیت‌های زندگی بالاتری در جامعه و در ارتباطات همسایگی فرد نسبت به کسانی که به این مکان‌ها نمی‌روند دارند. مک‌کون (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان «فرهنگ کافی‌شاپ در دوبلین» به مقایسه قهوه‌خانه‌های سنتی و کافی‌شاپ‌ها در شهر دوبلین ایرلند می‌پردازد، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ایرلند جزء کشورهای به‌حساب نمی‌آید که در آن فرهنگ قهوه وجود داشته باشد اما قهوه‌خانه‌ها در قرن هفدهم میلادی بخشی از این کشور بوده و به‌مرور در قرون نوزدهم و بیستم رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌های جدید پدید آمده است به‌طوری‌که امروز می‌توان ایرلند را یک کشور تأثیرگذار در حوزه قهوه و کافی‌شاپ دانست. پالیویی و همکاران (۲۰۱۲)، در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ کافی‌شاپ» به بررسی فرهنگ کافی‌شاپ در دنیای مدرن می‌پردازد. او با روش مطالعه توأم با مشاهده تأکید می‌کند که کافی‌شاپ در دنیای جدید از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار شده است. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که استارباکس‌ها (کافی‌شاپ‌های زنجیره‌ای و بین‌المللی که در سراسر جهان شعبه دارند) ارزش نهادینه خود را ارتقا داده به‌طوری‌که به مفهوم حس تعلق فرهنگی در روابط کنشگران اجتماعی توجه کرده‌اند. به‌طوری‌که می‌توان نتیجه گرفت، بین فعالیت‌های به‌هنگار و آنچه که در جامعه در حال بروز و ظهور است تفاوت وجود دارد. جوپ‌لی (۲۰۱۵)، در مقاله خود در خصوص «کافی‌شاپ‌ها، قهوه، استفاده از لیوان‌های یک مصرف و مسأله محیط‌زیست» نشان می‌دهد که مشتریان و کاربران ترجیح می‌دهند از فنجان‌هایی برای قهوه استفاده کنند که آسیبی به محیط‌زیست نمی‌زند. درواقع آن‌ها دغدغه محیط‌زیست را دارند. او معتقد است باید راهی پیدا کرد تا استفاده مجدد از ظروف امکان‌پذیر گردد. از طرف دیگر باید در نظر داشت که حفظ فضای اوقات فراغتی کافی‌شاپ یک دغدغه است که باید در کنار توجه به محیط‌زیست احیا شود. هانا و همکاران (۲۰۱۵)، در تحقیقی با عنوان «مواجهه‌های چند فرهنگی و روزه شهری در فضاهای نیمه عمومی» به بررسی تکثر فرهنگی و اشکال هویت محلی و قومی می‌پردازد و نشان می‌دهد که نادیده گرفته شدن

قومیت‌ها و هویت‌های محلی چگونه خود را بازتولید خواهد کرد. تیپالدوس (۲۰۱۶)، مقاله‌ای که خلاصه‌ای از پایان‌نامه با عنوان «تجربه استارباکس یک تحلیل فرهنگی است» نشان می‌دهد که کافی‌شاپ‌های استارباکس تأثیرات فزاینده‌ای بر زندگی سوئدی‌ها گذاشته و تأکید می‌کند که ایجاد قهوه با سلیقه سوئدی‌ها اقدام مهمی است که استارباکس به آن توجه کرده است. تامسون (۲۰۱۷)، در مقاله با عنوان «فضای معطر قهوه با تأثیرات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی» به بررسی کافی‌شاپ‌ها در ژاپن می‌پردازد. مردم به کافی‌شاپ‌ها در ژاپن می‌روند تا هم از زندگی لذت ببرند و هم در موج‌های ارتباطی با یکدیگر تعامل و کنش متقابل داشته باشند.

در نقد و بررسی پیشینه پژوهش می‌توان این نکته کلیدی و اساسی را بیان کرد که عمده پژوهش‌های صورت گرفته نتوانسته‌اند به صورت هم‌زمان به تجربه زیسته زنان در دو زیست سنتی و مدرن یعنی هیئت‌های مذهبی و کافی‌شاپ‌ها به صورت هم‌زمان بپردازند و موضوع را از منظر پارادایم تفسیری مورد واکاوی قرار دهند.

## ۲.۲.۲ ادبیات نظری

اگرچه روش‌های کیفی به‌ویژه روش پدیدارشناسی نیازمند مباحث نظری نبوده اما به منظور داشتن نوعی حساسیت نظری اشاره‌ای هرچند کوتاه و گذرا به برخی نظریات مهم در این زمینه می‌شود. در پژوهش‌های کیفی، از نظریات برای شکل‌دهی به پرسش‌ها، اهداف، ساختار و روند پژوهش استفاده می‌شود. کرسول این کاربرد نظریه را با عنوان لنز یا چشم‌انداز نظری معرفی می‌کند. «پژوهشگران از لنز نظری یا چشم‌انداز نظری استفاده می‌کنند که این لنز یک روند کلی جهت دهنده برای مطالعه فراهم می‌آورد. این لنزها به چشم‌اندازهای مدافعانه تبدیل می‌شوند که انواع سؤالات پرسیده شده را شکل می‌دهند و درباره نحوه جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها اطلاعاتی به دست می‌دهند. لنزهای یادشده نشان می‌دهند که پژوهشگر در مطالعه کیفی، چگونه موضع‌گیری می‌کند و گزارش‌های نوشتاری نهایی چگونه باید نوشته شود» (کرسول، ۱۹۹۹: ۲۹).

از سوی دیگر و در همین راستا وقتی با جهان‌های دوگانه‌ای چون کافی‌شاپ و هیئت در زیست جهان ایرانی مواجه می‌شویم می‌توان آن را در قالب موضوع زیست جهان‌های متکثر مورد واکاوی مفهومی و نظری قرار داد. ضمن این که شیوه‌های فهم و تفسیر متفاوت نیز در درون زیست جهان‌های متکثر با درجه بسیار بالایی قابل مشاهده و



بررسی است. جرج زیمل در این زمینه معتقد است: «شیوه‌های تفسیر اساساً متفاوت، پیامد شیوه‌های هستی‌های اساساً متفاوت است» (زیمل، ۱۳۸۶: ۱۰۲). اما با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال فهم پدیدارشناسانه از موضوع هیئت‌های مذهبی و کافی‌شاپ‌ها است و همچنین این موضوع را در دل زیست جهان‌های متکثر و متنوعی واکاوی می‌کند، لذا بیش از همه دیدگاه پیتر برگر را مورد استناد لنز نظری قرار داده است. برگر در کتاب «ذهن بی‌خانمان» مدعی است که «انسان‌ها در جهان مدرن در قالب زیست جهان‌های متنوع و متکثری زیست می‌کنند و همین زیستن در جهان‌های گوناگون آنان را دچار ذهن بی‌خانمان نموده است. طی بخش عمده‌ای از تاریخ بشر، افراد همواره در زیست جهان‌هایی کم‌ویش یکپارچه زیسته‌اند. این به معنای انکار وجود تقسیم کار و سایر فرایندهای بخش‌بندی نهادی که همواره موجب تفاوت‌هایی عمده در زیست جهان‌های گروه‌های مختلف یک جامعه واحد و یکپارچه شده‌اند، نیست. با وجود این، اکثر جوامع قدیمی، در قیاس با جوامع مدرن، درجه بالایی یکپارچگی را نشان می‌دهند. به‌رغم وجود تفاوت‌های میان بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی در جوامع پیشین، آن‌ها از طریق نوعی نظم معنایی یکپارچه‌ساز که همه بخش‌های متفاوت جامعه را در بر می‌گیرد به «یکپارچگی» می‌رسند. این نظم وحدت‌بخش معمولاً نظمی دینی است. معنای ساده این نظم برای فرد این بود که نمادهای یکپارچه‌ساز به‌طور یکسان بخش‌های مختلف زندگی روزمره‌اش را دربرمی‌گرفتند. فرد، خواه در کنار خانواده یا حین انجام کار، خواه درگیر در فرایندهای عمومی یا هنگام شرکت در جشن‌ها و مراسم رسمی، پیوسته در «همان جهان» بود. او به ندرت، به‌جز با ترک جسمانی جامعه خود (اگر گاهی پیش می‌آمد)، این احساس را پیدا می‌کرد که موقعیت اجتماعی خاصی می‌توانست او را از این زیست جهان مشترک خارج سازد. در جامعه مدرن، موقعیت معمولی افراد به گونه دیگری است. بخش‌های گوناگون زندگی روزمره افراد آنان را به جهان‌های معنایی و تجربی کاملاً متفاوت و غالباً ناسازگار مرتبط می‌کنند. زندگی مدرن معمولاً در حد بسیار شدیدی تقسیم‌بندی شده است. فهمیدن این نکته مهم است که این بخش‌بندی (هر چند ترجیح می‌دهم آن را چندگانه شدن بنامیم) تنها در سطح رفتار اجتماعی ملموس نمایان نیست، بلکه تظاهرات عمده‌ای نیز در سطح آگاهی دارد» (برگر و کلنر، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

از سوی دیگر، چندگانگی جهان‌های اجتماعی در جامعه مدرن موجب می‌شود تا

ساختار هر جهان خاص به شکلی نسبتاً ناپایدار و نامطمئن تجربه شود. در اکثر جوامع پیش مدرن، فرد در جهانی بسیار منسجم تر به سر می برد. در نتیجه، چنین جهانی در چشم او جهانی پایدار می نمود. برعکس، فرد مدرن، با توجه به تجربه خود از کثرت جهان های اجتماعی به نسبی سازی هریک از آنها می پردازد. در نتیجه، نظم نهادی تا حدی واقعیت خود را از دست می دهد و «تأکید واقعیت» از نظر عینی نهادها، به قلمرو ذهنیت فرد جابه جا می شود. به بیان دیگر، تجربه خود فرد از خویشتن برایش واقعی تر از تجربه اش درباره جهان عینی می شود. بنابراین، فرد برای یافتن «جای پای» خویشتن در واقعیت، بیش از پیش به جست و جو درون خود می پردازد تا بیرون از خود. یکی از پیامدهای این جابه جایی آن است که واقعیت ذهنی فرد برای خودش (آنچه که نوعاً «روان شناسی» خود او محسوب می شود) به نحو فزاینده ای تفکیک، پیچیده و «مورد علاقه» می شود. ذهنیت فرد به «اعماق» سابقاً متصور دست می یابد (برگر، ۱۳۹۷: ۱۴۲).

از یک طرف، هویت مدرن، هویتی گشوده، بی ثبات و دستخوش تغییرات دائمی است و از سوی دیگر، قلمرو ذهنی هویت جای پای اصلی فرد در واقعیت است. چیزی که پیوسته در تغییر است موجودیت حقیقی فرض می شود. از این رو، تعجبی نیست. اگر انسان مدرن، با بحران دائمی هویت، وضعیتی که اضطراب شدید را در پی می آورد، دست به گریبان است. دیگر اینکه هویت مدرن مشخصاً اندیشنده است. کسی که در جهان اجتماعی منسجم و دست نخورده زندگی می کند، این کار برایش با حداقل تأمل میسر است. در چنین حالتی پیش انگاشت های اساسی جهان اجتماعی بدیهی تصور می شوند و به هر حال امکان دارد که به همین گونه در زندگی نامه افراد «متعارف» باقی بمانند. این احساس نیندیشیده «بودن در کاشانه خود» در جهان اجتماعی را آدموند برک، در تصویر کلاسیک معروف خود از آرامش چراگاه گله گاو انگلیسی به نمایش گذاشته است. در واقع، برک این تصویر را در مقابل حالت پرسشگرانه، بی قرار و نوآورانه فعالیت پر جوش و خروش انقلابیون فرانسه قرار داده است. دروغا که جامعه مدرن به ویژه دشمن چنین آرامش رخنویناکی است. جامعه مدرن فرد را با چشم اندازی پیوسته در تغییر از تجارب و معانی اجتماعی رودررو قرار می دهد. فرد را وادار به تصمیم گیری ها و طرح برنامه های متنوع می سازد. او را به اندیشیدن وامی دارد. آگاهی مدرن، بدین ترتیب، به خصوص آگاهی ای هوشیار، پرتنش و «احتجاج آمیز» است. گفتنی است که این جنبه

اندیشنده هویت مدرن فقط به جهان بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه ذهنیت فرد و به‌ویژه موقعیت وجودی او را نیز در بر می‌گیرد. نه تنها جهان بلکه خویشتن نیز به موضوع توجه آگاهانه و غالباً موشکافی مضطربانه تبدیل می‌شود (برگر و کلنر، ۱۳۸۷: ۶۷).

از سوی دیگر می‌توان گفت چندگانه شدن زیست‌جهان‌های اجتماعی تأثیر عمده‌ای در حوزه دین داشته است. در طول بخش اعظمی از تاریخ موجود بشر، دین در ایجاد چتری فراگیر از نمادها، برای یکپارچگی با معنای جامعه، نقش اساسی بر عهده داشته است. معانی، ارزش‌ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتاً از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت، که زندگی انسان را به کل نظام عالم ربط می‌داد. «یکپارچه» می‌شدند. در واقع، از منظر جامعه‌شناسانه و روان‌شناختی - اجتماعی دین را می‌توان به‌عنوان ساختاری شناختی و هنجاری توصیف کرد که احساس «بودن در کاشانه خود» در جهان هستی را برای انسان ممکن می‌سازد. با چندگانه شدن زیست‌جهان‌های اجتماعی، این وظیفه قدیمی دین به‌طور جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد. از این‌پس، بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی تحت اداره معانی و نظام‌های معنایی کاملاً ناسازگار درمی‌آیند. برای سنت‌های دینی و نهادهای نماینده آن‌ها نه تنها یکپارچه‌سازی این کثرت جهان‌های زیست اجتماعی در قالب جهان‌بینی واحد و جامع دینی بیش‌ازپیش به‌طور جدی دشوار می‌شود، بلکه حتی اصولاً مقبولیت تعاریف دینی از واقعیت، از درون یعنی درون‌آگاهی شخصی فرد، به پرسش گرفته می‌شود. در دوره مدرن زیست جهان انسان‌ها متکثر شده است و انسان‌ها دیگر در یک زیست‌جهان مشخص و معین زندگی نمی‌کنند و از این‌رو است که دچار وضعیتی به نام ذهن بی‌خانمان شده‌اند. ذهن بی‌خانمان اشاره به وضعیتی دارد که طی آن افراد دل‌مشغولی‌های فراوان، متکثر و متنوع در زمینه‌های فردی و اجتماعی پیدا می‌کنند و مبتنی بر یک روش خاص و لزوماً به ارث رسیده از گذشتگان زندگی خود را تنظیم نمی‌کنند. بلکه همواره در حال انتخاب روش‌های گوناگون زندگی هستند در چنین وضعیتی دیگر نمی‌توان از یک قومیت خاص، هویت خاص، دین‌داری خاص و یا سبک زندگی خاص سخن گفت. در حقیقت در چنین شرایطی هر چیز ناب یا تقریباً دیگر وجود ندارد و یا دیگر دست‌یافتنی نیست (برگر، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

### ۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر پارادایم تفسیری، استراتژی استقرایی و روش پدیدارشناسی انجام شده است و به منظور تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تماتیک (مضمون) استفاده شده است. روش پدیدارشناسی با توجه به اصول هستی شناختی خود تا حد امکان بر تجربه‌های دست اول یا تجربه زیسته متمرکز شده و از پرداختن به موضوعات ثانویه خودداری می‌نماید، چرا که امکان ورود به لایه‌های معنایی تجربه‌های دست دوم را نداشته و در صورت استفاده به تولید معرفتی مخدوش و تحریف شده می‌انجامد (محمدپور، ۱۳۹۰). به منظور گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر به تناسب از روش اسنادی و روش مصاحبه عمیق استفاده شده است. در پژوهش حاضر از میان زنان کافی‌شاپ رو و هیئت رو شهر تهران، تعداد ۴۲ نفر با روش نمونه‌گیری نظری جهت انجام مصاحبه انتخاب شدند که نمونه‌های مورد مطالعه بر اساس نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری گزینش شده‌اند. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و به منظور تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار کیفی پژوهی maxqda 20 و همچنین برای تفسیر داده‌ها از روش تحلیل تماتیک (مضمون) استفاده شده است و مبتنی بر آن، تم‌های اصلی و فرعی و همچنین مفاهیم مرتبط با هر تم نیز استخراج گردید.

### ۴- تحلیل تجربی

#### یافته‌های پژوهش

با توجه به این که در پژوهش حاضر، مصاحبه با هر مصاحبه‌شونده در دوره‌های زمانی متفاوت و چندین بار به صورت رفت و برگشتی صورت گرفته است و نهایتاً نتایج تحقیق در قالب ۱۷ مقوله اصلی خود را نشان می‌دهد، که برای اولین بار است که مطرح می‌شود و در این زمینه در نوع خود قابل توجه است.<sup>۱</sup>

#### ۱. فراغت سیال

نکته حائز اهمیت در نتیجه مصاحبه با افراد کافی‌شاپ رو این است که تأکید بیش تر آن‌ها بر این بود که آرامش، ایجاد آزادی و جو متفاوت و مناسب کافی‌شاپ موضوعی است که نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد. در این خصوص کد ۳ می‌گوید: «من در

۱. لازم به ذکر است که جدول‌ها، از متن مصاحبه‌ها به‌عنوان الگو انتخاب شده است.

فضای کافه بسیاری از کارهایم را انجام می‌دهم و قرار ملاقات‌هایم را می‌گذارم. و گاهی با دوستانم نیز لحظاتم را می‌گذرانم.» کد ۱۰ نیز معتقد است: «کافه مکان مناسبی برای قرار ملاقات‌های عاشقانه است.» همچنین کد ۱۵ می‌گوید: «کافه فضای روشنفکری است و می‌توان در آن به کتاب‌خوانی و سایر موضوعات پرداخت.» کد ۲۲ در زمینه فرهنگ کافه‌ای شاپ روی معتقد است: «کافی شاپ مکانی برای تفریح و گپ زدن است؛ در گذشته مردم برای ملاقات به پارک‌ها می‌رفتند اما الان می‌توانند به کافه‌ها بروند، همدیگر را ملاقات کرده و گپ و گفت کنند.» کد ۳۰ در خصوص شادی در کافه معتقد است: «من در محیط کافه احساس شادی می‌کنم، شادی فراگیری که می‌تواند احساس آرامش را در ما تقویت سازد.» در مجموع می‌توان با نگاهی به مقوله‌های شکل گرفته در این بخش، کافه را مکان مناسبی برای گذران اوقات فراغت در صورت‌بندی‌های مختلف دانست و در واقع سیالیت موجود در کافه موضوع بسیار مهمی است که اشکال گوناگون کنش‌های عقلانی معطوف به هدف را در این امکان‌پذیر می‌سازد.

جدول ۱. فراغت سیال

مفاهیم	مقولات فرعی	مقوله اصلی
احساس نیاز به جمع شدن در کافه	فضای فراغتی	فراغت سیال
تنهایی لذت‌بخش کافه		
مکان دنج		
جایی برای تفریح و گپ		
محیط شاد کافه		
امنیت در کافه		
آرامش کافه		
آزادی و راحتی		
فضای روشنفکری		
فضای مناسب کتاب‌خوانی		
جو مناسب		
فضای گفت‌وگو و کاری و دوستانه		
فضای قرارهای کاری	شادی	
فضای قرارهای عاشقانه		

## ۲. تأثیر موسیقی کافی شاپی

یکی از موضوعات مهمی که در این تحقیق توسط پاسخگویان به آن تأکید شد، بحث موسیقی است. موسیقی روایتی است که از زوایای گوناگونی می‌توان به آن پرداخت. نکته مهم این است که در دنیای امروز جوانان علاقه خاصی به شنیدن موسیقی‌های مبتنی بر سن خود دارند. بنابراین می‌توان گفت که موسیقی تأثیرگذاری خاص خود را دارد که کافی شاپ‌ها تلاش می‌کنند از موسیقی در این فضا جهت جذابیت استفاده کنند. در این زمینه کد ۱۴ معتقد است: موسیقی مناسب در کافی شاپ می‌تواند حس خوب زندگی را به انسان منتقل کند. همچنین کد ۳۰ می‌گوید: «من با یک موسیقی دلنواز در کافه ارتباط خوبی برقرار می‌کنم.» و کد ۱۸ در خصوص ارتباط برقرار کردن با کافه معتقد است: «به نظر می‌رسد بیشتر کسانی که این روزها به کافه می‌آیند به دلیل فضای باز و موسیقی است که در کافه‌ها وجود دارد.» بنابراین نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که تأثیر موسیقی کافی شاپی به روایت گفتگو شوندگان موضوع بسیار مناسبی است که در جذب جوانان به کار می‌آید.

### جدول ۲. تأثیر موسیقی کافی شاپی

مفاهیم	مقولات فرعی	مقوله اصلی
علاقه جوانان به موسیقی دلیل رفتن به کافه	موسیقی	تأثیر موسیقی کافی شاپی
موسیقی مناسب		
موسیقی دلنواز		
آزار رساندن صدای بلند موسیقی		

## ۳. ترکیب نامتجانس سنت و مدرنیسم در فردیت

با توجه به بافت و ساختار تاریخی سنت در ایران، یکی از موضوعات مهمی که به نظر می‌رسد، ایجاد علاقه و گرایش جوانان به کافه‌های سنتی است. به عبارت دیگر، این تحقیق نشان می‌دهد علیرغم اینکه نسل جدید به کافی شاپ روی آورده‌اند اما بسیاری از آن‌ها کافه سنتی را به کافه مدرن ترجیح می‌دهند. در همین خصوص کد ۱۰ می‌گوید: «من در کافه سنتی احساس خوب درونی می‌کنم و همین موضوع باعث می‌شود که کافه‌های سنتی را به مدرن ترجیح دهم.» همچنین کد ۱۳ می‌گوید: «در کافه‌های سنتی

آرامش حقیقی وجود دارد. اگر آن کافه بتواند المان‌ها و عناصر سنتی را رعایت کند ترجیح من کافه‌های سنتی است.» کد ۲۸ معتقد است: «توجه و اولویت‌بخشی به مکان‌های سنتی باعث شده تا در شهرهای بزرگی مثل تهران تعداد کافه‌های سنتی در سال‌های اخیر رو به افزایش بگذارد.» کد ۲۶ در خصوص معماری کافه‌ها معتقد است: «من ترجیح می‌دهم به مکانی بروم که در آن به معماری توجه ویژه‌ای شده باشد. طبیعتاً معماری سنتی نقش فراگیری در هویت فرهنگی ما دارد. بنابراین اگر کافه‌ای بتواند این معماری را رعایت کند قطعاً در جذب مشتری موفق خواهد بود.» کد ۱۸ معتقد است: «در مدل سنتی، چیدمان و نشستن به گونه‌ای است که ایجاد صمیمیت بیشتر وجود دارد.» همچنین کد ۳۰ می‌گوید: «گاهی اوقات برای فرار از فضاهاى مدرن لازم است به کافه‌های سنتی پناه برد. اگر کافه‌های سنتی بتوانند المان‌ها و عناصر معماری سنتی را رعایت کنند طبیعتاً میزان گرایش مردم به کافه‌های سنتی بیشتر از کافه‌های مدرن است اما هم‌اکنون در بسیاری از کافه‌ها ترکیب ناهماهنگی از سنت و مدرنیته دیده می‌شود.» در مجموع به نظر می‌رسد ترکیب نامتجانس سنت و مدرنیسم در فردیت انسان ایرانی از عوامل اساسی در گرایش افراد به کافه‌های سنتی است.

جدول ۳. ترکیب نامتجانس سنت و مدرنیسم در فردیت

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
ترکیب نامتجانس سنت و مدرنیسم در فردیت	صفا و صمیمیت	استفاده از المان‌های سنتی علیرغم مدرن بودن کافه
		علاقه‌مند به معماری مدرن و اسلامی به‌طور هم‌زمان
	آرامش	احیای فضای سنتی
		جذابیت در فضای کافه سنتی
	المان‌های سنتی و مدرن در کنار هم	ترجیح فضای سنتی به کافه مدرن
		فرار از فضای مدرن و علاقه به فضای سنتی
		انتخاب سبک سنتی کافه برای صفا و صمیمیت
		اولویت‌بخشی به مکان‌های سنتی برای راحتی
		آرامش بیشتر در مکان‌های سنتی

#### ۴. شیوع کودکی مذهبی بر جدار ذهنی کنشگران

یکی از نکات مهم در این مصاحبه‌ها توجه به دوران کودکی در ایجاد بار مذهبی درونی افراد است. کد ۱۴ می‌گوید: «من به دلیل به دنیا آمدن در خانواده‌ای مذهبی، گرایش به مذهبی شدن پیدا کردم.» همچنین کد ۲۵ بیان می‌کند: «در ایران شیعه به دنیا آمدن موضوع مهمی است. وقتی که از ابتدا در گوش ما اذان می‌خوانند خودبه‌خود ما گرایش به این عقیده پیدا می‌کنیم.» همچنین کد ۱۱ می‌گوید: «تربیت مذهبی خانواده را نمی‌توان نادیده گرفت و در ایران این تربیت توسط نسل گذشته به نسل جوان منتقل می‌شود.» کد ۸ در خصوص مراسم مذهبی می‌گوید: «جذابیت‌های مراسم مذهبی در دوران کودکی از عوامل اساسی باقی ماندن این بخش در ذهن و ناخودآگاه کودک است. به طوری که وقتی فردی به بزرگسالی می‌رسد همچنان این بخش در وجودش قدرتمند عمل می‌کند.» همچنین کد ۱۶ معتقد است: «دین در ایران بیشتر الگوبرداری از والدین است و افراد به دلیل تقلیدی که از نسل قدیم می‌کنند دین را در خود درونی می‌سازند.» در همین خصوص کد ۳۲ نیز معتقد است: «تأثیر خانواده در درونی سازی عقاید، موضوع بسیار مهمی است به طوری که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.» در مجموع به نظر می‌آید که در جدار ذهنی کنشگران اجتماعی در دوران کودکی، مذهب به طور ناخودآگاه و در فرایند اجتماعی شدن درونی می‌شود و تأثیر خود را بر روی عمل و کنش فرد می‌گذارد.

جدول ۴. شیوع کودکی مذهبی بر جدار ذهنی کنشگران

مفاهیم	مقولات فرعی	مقوله اصلی
خانواده مذهبی و گرایش به هیئت	شیعه به دنیا آمدن	شیوع کودکی مذهبی بر جدار ذهنی کنشگران
شیعه به دنیا آمدن		
تربیت مذهبی خانواده	تربیت مذهبی خانواده	
تأثیر مذهب در کودکی		
تأثیر مثبت مذهبی شدن بچه‌ها	تأثیر مثبت مذهب	
تأثیر مجالس مذهبی بر مذهبی شدن بچه‌ها		
شرکت در مجالس از کودکی	الگوبرداری از والدین	
جذابیت‌های مراسم مذهبی و احیای خاطرات دوران کودکی		



		الگوپردازی از والدین
		حجاب ناشی از تحمیل حجاب در کودکی
		تأثیر خانواده در درونی سازی عقاید
		پیوند با مسجد به خاطر مذهبی بودن خانواده

### ۵. هدایت معنوی

یکی از نکاتی که در این مصاحبه‌ها به چشم می‌خورد، توجه و ارتباط با خدا و در محافل مذهبی است. کد ۱۳ می‌گوید: «موضوع مهمی که در هیئت‌ها به چشم می‌خورد مسئله ارتباط با خداست که هر فرد می‌تواند این مسیر را تجربه کند.» همچنین کد ۳۴ معتقد است: «حرکت به سمت معنویت یک نکته مهم در زندگی هر فردی است.» و کد ۱۰ بیان می‌کند: «من با حضور در هیئت‌ها توانستم فرایض دینی خود را دقیق انجام دهم.» در مجموع با توجه به مصاحبه‌ها و نظر مصاحبه‌شوندگان می‌توان هدایت معنوی را موضوعی بسیار مهم در رفتن به هیئت‌ها دانست.

#### جدول ۵. هدایت معنوی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
هدایت معنوی	حرکت به سمت معنویت	حج رفتن و مذهبی
		انجام فرایض
	هدایت شدن	ارتباط با خدا
		هدایت شدن به راه راست
		حرکت به سمت معنویات
ارتباط با خدا		

### ۶. اعتیاد اعتقادی

یکی از نکات مهمی که در مصاحبه‌ها تکرار شد، مسئله اعتیاد و تقلید بیمارگونه رفتن به فضاهای مذهبی است. به نظر می‌رسد که در این زمینه تکرارهایی صورت می‌گیرد که معناهای آن چندان مشخص نیست. کد ۱۱ می‌گوید: «من به هیئت‌های مذهبی می‌روم اما دلیل آن را نمی‌دانم.» و کد ۱۶ نیز می‌گوید: «رفتن من به مکان‌های مذهبی بیشتر به شکل عادت است و گاهی اوقات در خودم هم نسبت به آن شک می‌کنم. اما اگر نروم احساس گناه می‌کنم.» و کد ۲۳ در خصوص آرام بخشی هیئت‌ها معتقد است: «مشکلاتم باعث می‌شود تا به مراسم مذهبی بروم تا بلکه کمی آرام شوم اما حقیقت این است که دیگر این روزها رفتن به مراکز مذهبی هم باعث آرامش من نمی‌شود.» در واقع به نظر می‌رسد

نوعی اعتیاد اعتقادی شکل گرفته است که فقط در ظاهر افراد را به مکان‌های مذهبی می‌کشاند بدون آن که آن فرد اعتقاد عمیق مذهبی داشته باشد.

جدول ۶. اعتیاد اعتقادی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
اعتیاد اعتقادی	عدم علاقه جوانان به هیئت	تفر و علاقه متضاد در مراسم مذهبی
		عدم علاقه جوانان به هیئت‌ها
		مشکلات و عدم شرکت در مراسم مذهبی
	تکرار بی‌مصرف	احساس گناه به خاطر نرفتن به مکان مذهبی
		تکرار بی‌مصرف
		قرار گرفتن در دور کسل‌کننده تکرار
احساس گناه		

#### ۷. مهاجرت و احساس نیاز به باز تولید معنای دین در تکوین هویتی:

یکی از نکات مهم، مسئله گروه‌هایی است که از ایران مهاجرت می‌کنند. برخی از مهاجران نیز به شیوه‌های گوناگونی گرایش‌های مذهبی خود را احیا می‌کنند. کد ۱۵ می‌گوید: «من سالیان پیش مهاجرت کردم اما همچنان علاقه و ارتباط خود را با هیئت‌ها حفظ کرده‌ام و همواره در لندن به مکان‌های مذهبی می‌روم.» و کد ۹ نیز می‌گوید: «در مهاجرت، انسان نیازهای خاصی را در خود احساس می‌کند که به‌طور طبیعی نیاز به مذهب در آنجا زیاد می‌شود و به همین دلیل افراد زیادی را به مکان‌های مذهبی می‌کشاند.» و کد ۲۶ نیز می‌گوید: «مهاجرت باعث شد که من دوباره به مذهب بازگردم و به نوعی در دوران مهاجرت علاقه و گرایشم به این مسئله بیشتر شد.»

جدول ۷. مهاجرت و احساس نیاز به باز تولید معنای دین در تکوین هویتی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
مهاجرت و احساس نیاز به باز تولید معنای دین در تکوین هویتی	تکرار مراسم‌های مذهبی	برگزاری مراسم مذهبی در خارج از کشور
		تکرار مراسم‌های مذهبی
	مذهبی بودن در مهاجرت	مذهبی بودن در مهاجرت
		مهاجرت علیرغم پذیرش دین

### ۸. دیالکتیک معنویت در تأثیر‌گذاری بر حاجت و معصیت

در مبحث گرایش‌های مذهبی، موضوع تغییر و تحول درون یک مسئله بسیار مهم است. کد ۱ می‌گوید: «آنچه هر فرد را به مکان‌های مذهبی سوق می‌دهد تقرب الهی است.» و کد ۱۱ نیز می‌گوید: «حس خوب مذهبی نکته‌ای است که نمی‌شود آن را نادیده گرفت.» و همچنین کد ۱۵ می‌گوید: «من در مکان‌های مذهبی توسل از ته دل را تجربه می‌کنم.» و کد ۲۸ در مورد تأثیر بر دل‌ها بیان می‌کند: «تأثیر عمیقی که دین بر دل‌ها می‌گذارد، انکار نشدنی است.» و در همین زمینه کد ۸ می‌گوید: «کشش قلبی انسان به دین از عواملی است که در مکان‌های مذهبی تقویت می‌شود.» در مجموع به نظر می‌رسد نوعی ارتباط با خود و ارتباط با خدا از سوی دیگر، از نکات مهمی است که هیئت‌ها را به مکانی متفاوت مبدل می‌سازد. در واقع در اینجا آنچه که به چشم می‌خورد فرد به‌عنوان محفلی برای عبور از مشکلات نیز به آن نگاه می‌کند. کد ۱۷ در این خصوص می‌گوید: «وقتی که به مکان مذهبی می‌روم احساس می‌کنم از معصیت‌هایی که در وجودم است دور می‌شوم.» و کد ۱۳ نیز می‌گوید: «من در هیئت‌ها بسیار حاجت گرفتم.» همه این‌ها نشان می‌دهد که افراد برای پاسخ به نیازهایشان مکانی به نام هیئت را انتخاب می‌کنند.»

جدول ۸. دیالکتیک معنویت در تأثیر‌گذاری بر حاجت و معصیت

مفاهیم	مقولات فرعی	مقوله اصلی
توجه به معنویات	ارتباط با خود	دیالکتیک معنویت در تأثیر‌گذاری بر حاجت و معصیت
تزکیه نفس		
تقرب الهی		
ارتباط با خود	تقرب الهی	
ارتباط با خدا	اعتقاد قلبی	
حس خوب مذهبی	توفیق حضور	
اعتقاد قلبی	توسل	
علاقه قلبی		
توفیق حضور		
کشش قلبی		
توسل از ته دل		

	طلب مغفرت	توسل و دریافت حاجت
		خیر دنیا و آخرت
	حاجت‌روایی	تأثیر بر دل‌ها
		طلب مغفرت

### ۹. جاهلیت زنانه ناشی از تعصب - غلبه فرهنگ مردسالاری و راهی برای عبور زنان

یکی از مباحث مهم، وجود نوعی جاهلیت است که در بین زنان وجود دارد. این موضوعی است که بسیاری از پاسخ‌دهندگان به آن پرداخته‌اند. کد ۳ می‌گوید: «متأسفانه به دلیل محدودیت‌هایی که در جامعه وجود دارد زنان هیئت‌های مذهبی را راهی برای فرار از فشارهای محیط زندگی می‌دانند.» همچنین کد ۱۰ می‌گوید: «اکثر زنان این محیط را ترجیح می‌دهند زیرا فضایی است برای گپ و گفت و فرار از فشارهایی که بعضاً همسرانشان بر آن‌ها وارد می‌کنند.» و همچنین کد ۲۰ می‌گوید: «جامعه ایران مردسالار است و هیئت‌های مذهبی راهی برای فرار از این وضعیت است.» و کد ۱۳ نیز می‌گوید: «زنان ما به دلیل فشار و محدودیت‌هایی که داشتند دچار نوعی تعصب و جاهلیت شده‌اند که این باید به مرور رفع شود.» و کد ۳۰ معتقد است: «زنان جامعه ایران به دلیل حضور تند مردسالاری کمتر فرصت به خود رسیدن را داشته‌اند و هیئت‌های مذهبی تنها راهی است که آن‌ها می‌توانند در کنار هم باشند و مفهوم هویتی خود را بیابند.»

### جدول ۹. جاهلیت زنانه ناشی از تعصب - غلبه فرهنگ مردسالاری و راهی برای عبور زنان

مفاهیم	مقولات فرعی	مقوله اصلی
فعال شدن بانوان در هیئت‌ها و خروج از انفعال	بیرون رفتن از خانه و دورهمی خانم‌ها در هیئت	- جاهلیت زنانه ناشی از تعصب - غلبه فرهنگ مردسالاری و راهی برای عبور زنان
بیرون رفتن از خانه و دور همی خانم‌ها در هیئت		
عدم رعایت حجاب مناسب خانم‌ها در هیئت	ترویج مدگرایی	
ترویج مدگرایی		
پایین بودن دانش مذهبی خانم‌ها در جلسات	ترویج مدگرایی	
لزوم تحصیل کرده بودن خانم‌های سخنران		
کم‌توجهی به سخنان سخنران در مجالس زنانه		
جمع شدن زنان در هیئت‌ها و ترویج چشم و هم‌چشمی	پایین بودن دانش مذهبی خانم‌ها در جلسات	

### ۱۰. دوگانه کافه و هیئت

یکی از موضوعات مهم که در این تحقیق خود را نشان داد، مفهوم هم‌حضوری هم در کافه‌شاپ‌ها و هم در هیئت‌های مذهبی است. در واقع افراد علاقه‌مند هستند که در هر دوی این مکان‌ها حضور یابند. به‌طور کلی می‌توان بر اساس نتایج به‌دست‌آمده افراد را به سه دسته تقسیم کرد: دسته‌ای که دوست دارند به هیئت‌ها بروند. دسته‌ای که دوست دارند به کافه‌شاپ‌ها بروند، دسته‌ای که هر دو را انتخاب می‌کنند و بنا به فراخور حس و حالشان به هر دو این مکان‌ها می‌روند. کد ۱۰ می‌گوید: «این روزها همه هم سنتی و هم مدرن هستند. پس گاهی به کافه و گاهی به هیئت‌ها می‌روند.» و کد ۱۳ معتقد است: «حال و هوای من عامل اساسی تعیین‌کننده برای انتخاب مکان است. گاهی کافه حالم را خوب می‌کند گاهی هم هیئت‌های مذهبی.» کد ۴ نیز می‌گوید: «من هم کافه و هم هیئت‌های مذهبی می‌روم. اما چون عرق مذهبی من بیشتر است بیشتر به هیئت‌ها می‌روم.» کد ۱۵ با بیانی متفاوت می‌گوید: «من خیلی این شرایط را دوست دارم. هم کافه و هم هیئت فعالیت می‌کنند و ما می‌توانیم آن‌ها را انتخاب کنیم.»

### ۱۱. تجانس ناهمگون

کد ۳۱ می‌گوید: «اصلاً نمی‌شود کافه و هیئت مذهبی را در کنار هم در نظر گرفت. این مثل این است که شله‌زرد را با قهوه اسپرسو بخوری!!!!» و کد ۱۴ با نگاهی متفاوت می‌گوید: «من فکر می‌کنم مدرنیته دارد به مرور هیئت‌های مذهبی را کنار می‌زند.» کد ۱۶ نیز می‌گوید: «کافه‌ها خیلی وقت‌ها با سبک زندگی جدید بیشتر کنار می‌آیند. اما هیئت‌ها هم توانسته‌اند در این فضای مدرن خود را بیابند.» کد ۸ با اشاره به سردرگمی در جوانان می‌گوید: «تناقض عجیبی است. من بعضی اوقات وقتی به کافه می‌روم دلم می‌گیرد و هوس می‌کنم که به هیئت‌ها بروم و وقتی به هیئت می‌روم حس و حالم فرار از آن مکان است. واقعیت این است که نمی‌دانم چه می‌خواهم.»

**جدول ۱۰. دوگانه کافه و هیئت - تجانس ناهمگون**

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
- دوگانه کافه و هیئت  - تجانس ناهمگون	غلبه تفکر سنتی در انتخاب کافه	عدم امکان تطبیق سنتی یا مدرن بودن آدم‌ها در انتخاب کافه یا هیئت
	عقاید متنوع و متکثر در انتخاب رفتن به کافه یا هیئت	وجود عقاید متنوع و متکثر در انتخاب رفتن به کافه یا هیئت
	انتخاب رفتن به کافه یا هیئت	انتخاب کافه و هیئت توسط مذهبی‌ها به اقتضای شرایط
	انتخاب کافه و هیئت توسط مذهبی‌ها به اقتضای شرایط	دوران گذار و حفظ کافه و هیئت در کنار هم

**۱۲. ساختارشکنی ارتباطی**

کافی شاپ‌ها امروزه تغییرات اساسی کرده‌اند و نقشی پررنگ را در جامعه امروز ایران ایفاء می‌کنند. کد ۱ می‌گوید: «ما امروز مفهومی به نام لذت کافی شاپی داریم.» و کد ۳ می‌گوید: «من در کافه‌ها احساس آرامش می‌کنم.» همچنین کد ۶ می‌گوید: «حس خوب زندگی از کافی شاپ‌ها به انسان‌ها منتقل می‌شود.» و کد ۵ نیز معتقد است: «کافه جای خوبی است برای گذران فراغت.» و کد ۷ نیز می‌گوید: «این روزها مردم کافه را برای ارتباطات کاری انتخاب می‌کنند.» کد ۴ نیز می‌گوید: «فضای کافی شاپ فضای مناسبی برای داستان و شعرخوانی است. من این محفل‌ها را خیلی دوست دارم.» کد ۲ در مورد آزادی بیان می‌گوید: «من آزادی بیان در کافه‌ها را دوست دارم.» و کد ۳ می‌گوید: «کافه مکان ملاقات است.» و کد ۲ نیز می‌گوید: «فضای ارتباطی جدیدی در کافه‌ها شکل گرفته و من آن را دوست دارم.»

**جدول ۱۱. ساختارشکنی ارتباطی**

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
	لذت کافی شاپ	لذت کافی شاپ
		احساس آرامش
		احساس خوب از زندگی

ساختارشکنی ارتباطی	گذران اوقات فراغت	گذران اوقات فراغت
		ارتباطات کاری
		داستان و شعرخوانی
	تجربه اولین‌ها	آزادی بیان
		برداشتن مرزها
		تجربه اولین‌ها
	ساختارشکنی فضای ارتباطی و گفتمان جدید	ساختارشکنی
		فضای ارتباطی و گفتمان جدید
		کافه و ملاقات
فضای ارتباطی و گفتمان جدید		

### ۱۳. عدم همخوانی هیئت‌های مدرن با جوهره معنویت

یکی از موضوعات مهم، عدم همخوانی هیئت‌های امروزی با جوهره معنویت است. این تحقیق نشان می‌دهد که معنویت عنصر اصلی گمشده هیئت‌ها به حساب می‌آید. کد ۳ می‌گوید: «من فکر می‌کنم هیئت‌های جدید مثل یک دیسکو شده‌اند. از سازهای پیشرفته استفاده می‌شود و در بعضی از آن‌ها رقص و پایکوبی وجود دارد.» و کد ۵ نیز می‌گوید: «من اصلاً احساس معنوی خوبی در مسجد و هیئت نمی‌کنم و فکر می‌کنم کیفیت این مراکز بسیار تغییر کرده است.» کد ۷ در خصوص تفاوت دین و دین‌داری می‌گوید: «به نظر من بین دین و اعتقاد به دین تفاوت وجود دارد و ما در هیئت‌های مذهبی بیشتر اعتقادات دینی را تجربه می‌کنیم.» و کد ۴ با نگاهی متفاوت می‌گوید: «برای من هیچ حرکت معنوی در هیئت‌های مذهبی اتفاق نمی‌افتد.»

### جدول ۱۲. عدم همخوانی هیئت‌های مدرن با جوهره معنویت

مفاهیم	مقولات فرعی	مقوله اصلی
معنویت و تحقیق	معنویت و تحقیق	عدم همخوانی هیئت‌های مدرن با جوهره معنویت
حرکت معنوی	نیاز به معنویت	
عدم امکان سنجش کیفیت معنویت		
نیاز به معنویت		

	گرایش به معنویت	گرایش به معنویت
	تقابل و تنافر ناشی از تربیت دینی با امکان فهم دینی	تقابل دین و دین
	تقابل دین و دین	تقابل و تنافر ناشی از تربیت دینی با امکان فهم دینی

#### ۱۴. ترکیب لذت و معنویت

همان‌طور که همگان می‌دانند احساس خوب داشتن از زندگی و یا لذت بردن از لحظات آن، بسیار مهم است. مردم معنویت را به شیوه‌های گوناگون تجربه می‌کنند. در داستان «موسی و شبان»، مولانا به خوبی اشاره می‌کند که شبان با مدل خود با خدا ارتباط برقرار می‌کند و از این ارتباط لذت می‌برد. این تحقیق نشان می‌دهد که بین لذت و معنویت رابطه وجود دارد. کد ۳ می‌گوید: «من احساس خیلی خوبی در هیئت‌های مذهبی می‌کنم. احساسی که در هیچ جای دیگر نمی‌توان آن را تجربه کرد.» و کد ۲ نیز می‌گوید: «من هر روز که به هیئت می‌روم به گونه‌ای نو می‌شوم.» همچنین کد ۶ می‌گوید: «دریافت‌های معنوی برای انسان در هر مکانی به گونه‌ای اتفاق می‌افتد. من در هیئت‌ها به گونه‌ای خاص دریافت‌های متفاوت داشته‌ام.» و کد ۵ در خصوص معنویت می‌گوید: «معنویت یعنی لذت بردن و من وقتی که از هیئت بیرون می‌آیم در اوج لذت قرار دارم.»

#### جدول ۱۳. ترکیب لذت و معنویت

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
ترکیب لذت و معنویت	پذیرش هر دو مکان (هیئت و کافه) به‌طور هم‌زمان	تجربه‌های دوسویه
	لذت‌بخشی کافه و هیئت به‌طور هم‌زمان	پذیرش هر دو مکان (هیئت و کافه) به‌طور هم‌زمان
	لذت‌بخشی کافه و هیئت به‌طور هم‌زمان	لذت‌بخشی کافه و هیئت به‌طور هم‌زمان
	در هم تنیدگی کافی شاپ و هیئت‌های مذهبی	در هم تنیدگی کافی شاپ و هیئت‌های مذهبی
	هیئت‌های مذهبی	ترکیب یافتگی



		انتخاب موازی کافه و هیئت
		در هم تنیدگی کافه و هیئت در ذهنیت افراد

### ۱۵. کنش عاشقانه هیئت‌روها

بسیاری از کسانی که به هیئت‌ها می‌روند بر این باورند که هیئت جنبه‌هایی از کنش عاطفی را در خود دارد. کد ۵ می‌گوید: «هیئت یعنی عاشقی و عاشقی کردن را فقط یک عاشق می‌تواند درک کند.» همچنین کد ۳ می‌گوید: «این روزها هیئت‌ها تبدیل به مکان خواستگاری و ازدواج شده است.» و کد ۴ معتقد است: «من در هیئت همه روحم تازه می‌شود.» کد ۶ در مورد هیجان حاصله از رفتن به هیئت‌ها معتقد است: «هیجانی که در هیئت وجود دارد در هیچ‌یک از جنبه‌های زندگی یافت نمی‌شود.»

### جدول ۱۴. کنش عاشقانه هیئت‌روها

مفاهیم	مقولات فرعی	مقوله اصلی
عاشقی و هیئت	عاشقی و هیئت	کنش عاشقانه هیئت‌روها
ارتباط غیرمستقیم زن و مرد در هیئت	ارتباط غیرمستقیم زن و مرد در هیئت	
دوستی دختر پسرها در ماه محرم		
نمایش پرستیژ زنانه در تهران		

### ۱۶. بازسازی دیالوگ‌های معنوی

دین زبان خاص خود را دارد. این زبان در یک فضا و مبتنی بر مناسک دینی شکل می‌گیرد. این نوعی ارتباط متفاوت است که فقط کنشگرانی که در آن موقعیت قرار دارند آن را درک می‌کنند. این تحقیق نشان می‌دهد که هیئت‌های مذهبی می‌توانند به بازسازی فضای معنوی جامعه کمک کنند. کد ۳ می‌گوید: «رفتن به هیئت‌ها نوعی رفع نیازهای درونی است.» کد ۲ می‌گوید: «برای من تجربه هدایت در اماکن مذهبی یک باور عمیق است.» و کد ۱ می‌گوید: «هیئت‌ها به انسان این امکان را می‌دهد که نوعی گفتگو با خداوند داشته باشند.» همچنین کد ۱ این مطلب را اضافه می‌کند که: «مرکزیت دین در مکان‌های مختلف شکل می‌گیرد و به نظر من هیئت‌های مذهبی نوعی مرکزیت در این زمینه دارند.»

جدول ۱۵. بازسازی دیالوگ‌های معنوی

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم
بازسازی دیالوگ‌های معنوی	تجربه عارفانه	لذت معنوی هیئت
	گفتگوی عارفانه با خدا	مرکزیت دین در کنشگر مذهبی
		پاسخ به خواسته‌های معنوی و درونی فرد در مجامع مذهبی
	لذت معنوی	رفع نیازهای درونی
		تجربه هدایت در اماکن مذهبی
		گفتگوی عارفانه با خدا

### ۵. نتیجه گیری

دوگانه هیئت - کافه را می‌توان به نوعی مصداق عینی متکثر شدن زیست جهان های ایرانیان قلمداد نمود به گونه‌ای که بخش سنتی جامعه مبتنی بر زیست جهان سنتی تمایل به حضور در هیئت‌های زنانه داشته و بخش مدرن جامعه مبتنی بر زیست جهان مدرن تمایل به حضور در کافی شاپ داشته تا از این طریق نسبت به بر ساخت جهان معنایی خویش تداوم ببخشد. به هر رو اکنون در جامعه ایران با دیالکتیک دوقطبی کافی شاپ - هیئت‌های مذهبی به‌عنوان یکی از برش‌های زیست جهان ایرانی روبرو هستیم به گونه‌ای که در یک سو تمایلات و تعاملات بخش سنتی جامعه به‌خوبی خود را نشان می‌دهد و از سوی دیگر تعاملات و تمایلات بخش مدرن جامعه. از این منظر، شکل‌گیری دوگانه کافی شاپ‌ها و هیئت‌های مذهبی نوعی صورت‌بندی جدید است که با نمونه‌های قبلی و سنتی که در آن فقط نهادهای مذهبی وجود داشت، فرق دارد و درعین حال با آنچه که در غرب به‌عنوان نهادهای مدرن وجود دارد نیز متفاوت است و این پژوهش نشان داد که در ایران کافی شاپ‌ها سنتی هستند و همچنین هیئت‌هایی دیده می‌شود که خیلی مدرن هستند. بنابراین این ترکیب‌های جدید بیانگر آن است که هویت‌سازی جدیدی در ایران درحالی که شکل‌گیری است که این هویت‌سازی جدید معیارهای خاص خود را دارد و به مرور درونی سازی می‌شود و نسل‌های فعلی و آینده را با این روند همساز می‌کند. این روند انتخاب جامعه نبوده است بلکه پذیرشی جبری، مسیری فشاری و تحمیلی بوده است

که در عین حال یک ترکیب جدید را ایجاد کرده است. بنابراین می‌توان گفت که با گروه‌بندی و رده‌بندی جدید اجتماعی مواجه هستیم و همان‌طور که این تحقیق نشان داد، کافی‌شاپ‌ها و هیئت‌ها یک صورت‌بندی ناهمگون ولی در عین حال به هم پیوسته را به تصویر می‌کشند.

بنابراین به نظر می‌آید معناهای مدرنیته که در غرب تکوین یافته و شکل گرفته است، هنگامی که به جهان خارج از خود رفته است به دلیل وجود معناهای متنوع، تغییر کرده است. حال در جوامعی مانند ایران که ساخت و بافت فرهنگی غنی و طولانی مدت را دارا است، ورود مدرنیته این معنا را گسترش بخشیده است. به همین دلیل چنانچه با نگاهی محلی و مکانی به هویت پذیری بنگریم، می‌توانیم حضور دوآلیته کافی‌شاپ و هیئت‌های مذهبی را به عنوان یک قالب جدید گسترش یافته در نظر بگیریم. در واقع می‌توان گفت این گسترش یافتن جامعه است که در امتداد فضا و متناظر با آن با جابجایی‌های سریع اطلاعات در حال شکل‌گیری است و این همه آن چیزی است که گیدنز به آن تأکید دارد. بنابراین ما در حال ورود به دوره‌ای در ایران هستیم که مناسبات اجتماعی جدید در آن در حال شکل‌گیری است. از جا کنده شدن به این معنا است که آن چیزی که در واقعیت اصلی و مبدأ خود بوده است، امروز در جامعه ایران به آن شکل اصلی دیده نمی‌شود، بلکه با هویت مدرنی روبرو هستیم که دارای لایه‌های پیچیده درونی است و می‌تواند بر تصمیم‌گیری عاملان اجتماعی تأثیرگذار باشد. بنابراین می‌توان گفت که ژرفای ینش ما در حال پیدا کردن ماهیت جدیدی است که در تکوین مدرنیته با مدل اولیه بسیار متفاوت است و اجتماعی جدید مبتنی بر تصمیم‌گیری جدید عاملان اجتماعی را پدید می‌آورد.

نمونه‌های معنایی زیست جهان مدرن که در قالب کافی‌شاپ روی مورد واکاوی قرار گرفت، به صورت فراغت سیال، شکل‌گیری فردیت مدرن، محیط شاد کافه، فضای روشنفکری، تنهایی لذت‌بخش کافه، دوره‌می کافه‌ای، دکوراسیون مناسب، فضاهای فرهنگی مانند شعرخوانی در کافه، داشتن آرامش، جاذبه‌های بصری، قرارهای کاری و دوستانه، راحتی و امنیت خاطر، موسیقی کافه شاپی، گپ و گفته‌ای دوستانه و عاشقانه، داشتن آزادی بیشتر، تغییر روحیه در کافه، مکانی دور از جامعه، احساس سرخوشی و موارد مشابه خودش را نشان داده است. همچنین در همین رابطه می‌توان از نمونه‌های

معنایی زیست جهان سنتی که در قالب رفتن به هیئت‌های مذهبی متجلی می‌شود به مواردی چون معنویت‌گرایی، الگوبرداری از والدین، رفع حاجت، کشش قلبی، تأثیر تربیت مذهبی خانواده، شیعه به دنیا آمدن، رهایی از خانواده و فضای پدرسالاری، کم شدن ایمان، جمع‌های دوستانه، نمایشی شدن هیئت‌ها، پررنگ شدن دورهمی و کمرنگ شدن معنویات، تبلیغ مد و مصرف، گریه کردن و سبک شدن، تخلیه روانی و سایر موارد مشابه اشاره نمود. غور و تعمق در این موارد به‌خوبی نشان می‌دهد که دو زیست جهان سنتی و مدرن تا کجا بخش‌هایی از جامعه را نمایندگی کرده و درعین حال تقابل‌های موجود در جامعه را نیز نشان می‌دهند. همچنین واکاوی ابعاد گوناگون دو زیست جهان مورد اشاره به‌خوبی حکایت از متکثر و متنوع شدن زیست جهان‌های ایرانیان می‌نماید. موضوعی که به‌روشنی در دیدگاه‌های جامعه‌شناسانی چون آنتونی گیدنز، پیتر برگر و دیگران منعکس شده است. درواقع، متکثر شدن زیست جهان ایرانیان از آن‌رو صورت گرفته است که با ورود مدرنیته به کشور انتظار داشتن یک زیست جهان مشخص و قالب‌بندی شده همانند جهان سنتی دیگر منطقی نبوده و تمامی روندها و تحولات زیستی ایرانیان به‌خوبی نشان‌گر این تغییر مهم است.

از سوی دیگر برخی نتایج به‌دست آمده نشان از این موضوع مهم دارد که هیئت‌ها نیز کم‌وبیش به سمت وسوی مدرن شدن پیش می‌روند و از شکل و محتوای هیئت‌های سنتی قدیمی چندان خبری نیست. ضمن این که نوعی هویت سیال، ناپایدار، تکه‌تکه شده، گزینشی و ترکیبی نیز در حال شکل‌گیری بوده که نشان از تغییرات جدی حتی در بین مذهبی‌ها می‌دهد. درواقع تمام سخن بر سر این است که مذهبی‌ها نیز در اثر تحولات به وجود آمده و همچنین تحول در زیست جهان‌ها دارای هویت یکدست و یکپارچه گذشته نبوده و دچار تغییرات هویتی معنادار و قابل‌توجهی شده‌اند. این همان موضوعی است که مورد توجه جامعه‌شناسانی چون آنتونی گیدنز و پیتر برگر است. این موضوع تحت عنوان هویت بازاندیشانه در اندیشه گیدنز و ذهن بی‌خانمان در اندیشه برگر مورد واکاوی قرار داده است.

### منابع

- آزاد ارمکی، تقی و وحید شالچی (۱۳۸۴)، دوجهان ایرانی؛ مسجد و کافی‌شاپ، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۱، شماره ۴.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی فرهنگ، نشر علم.
- برگر، پیتر و بریجیت کلنر (۱۳۸۷)، ذهن بی‌خانمان، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- خاکسار فرد، عطیه و صدیقه سوری (۱۳۹۶)، فهم پدیدارشناسانه تجربه زیسته زنان از حضور در مجالس مذهبی زنانه، راهبرد فرهنگ، ش ۳۸.
- دستوری، مژگان (۱۳۸۹)، بررسی دگرگونی‌های هیئت‌های مذهبی زنانه: هیئت‌های سنتی و نوین، فصلنامه مطالعات زنان، سال هشتم، ش ۱.
- زیمل، جرج (۱۳۸۶)، مقالاتی درباره تفسیر در علم اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شریعتی، سارا (۱۳۹۱)، سخنرانی در نشست زنان و نوگرایی دینی.
- کاظمی وریج، عباس، فیاض، ابراهیم و دستوری، مژگان (۱۳۹۵)، گونه‌شناسی هیئت‌های مذهبی زنانه در تهران، نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، پیاپی ۳۶.
- کریمی، محمدتقی و عطیه خاکسار فرد و وحید شالچی و نهال نفیسی (۱۴۰۰)، تعارضات و همسویی‌ها در ساخت مجالس زنانه شهر تهران، مجله مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۳، شماره ۹۲، صص ۱۳۱-۱۰۹.
- ماکویی، سویل (۱۳۹۳)، ویژگی‌های مردم‌شناختی کافی‌شاپ با شیوه زندگی جوانان، مجله فرهنگ مردم ایران، ش ۳۶.
- مقدس جعفری، محمدحسن و رضا دوست کریم و خدیجه گلبریان (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر عوامل فرهنگی بر سبک زندگی جوانان کافی‌شاپ در شهر اهواز، مجله جامعه‌شناسی جوانان، دوره ۳، شماره ۷.
- محمدی، الناز و عباس زاده محمد (۱۳۹۵)، سیر تاریخی نظریات جامعه‌شناس کلاسیک ماکس وبر، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، روش تحقیق کیفی، ضد روش، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- Creswell, J.W (1998), Qualitative inquiry and research design: choosing among five traditions, sage publication Ltd.
- Giddens, Anthony (2019), The Transformation of Intimacy, uk: Stanford University of press
- Etzrodt, C (2012), Advanced Modern Versions of Max Weber's Action Concepts. Ritsumeikan Social Sciences Review. VOL (627), 3, 23-41.
- Cuneo, Michael (2020), Values and Meaning: Max Weber's Approach to the Idea of Ultimate Reality and Meaning, Fordham University, New York, NY, U.S.A